

پوتین نادرشاه برای رضاخان گشاد است

۲۷ دی ۱۴۰۱ ساعت ۱۸:۱۳

انگلیسی‌ها مقدرات امور مردم را به دست مردی سپردند که با تحقیر و سرکوب مردم، برنامه‌های خود را عملی ساخت و روز کارزار از میدان گریخت و کشور را به بیگانه سپرد، مردی که در برابر مردم خود گردن فرازی می‌کرد با کوچکترین ضربه در برابر بیگانه سپر انداخت.

انگلیس و بسیاری از قدرت‌های خارجی با ستایش از رضاخان، او را منجی ایران دانسته و معتقد بودند که در دوره او زمینه مساعد برای گسترش روابط خارجی و نیز مساعد شدن وضعیت مردم شکل خواهد گرفت؛ اما با گذشت زمان بسیاری از این تحلیل‌ها اشتباه از آب درآمد.

«در ایران وزیر مختار وقت انگلستان بعد از کودتا، یعنی سر پرسی لورن ویژگی‌های موسولینی را در رضاخان می‌دید و طرفه آنکه مطبوعات طرفدار سردار سپه همزمان به این توهم دامن می‌زدند. امریکایی‌ها هم به کودتا با دیده تحسین نگریستند، به نظر آنان انگلستان با سیاست‌های خود در ایران می‌توانست محیطی مساعد برای سرمایه‌گذاری‌های کشورهای غربی بگشاید و ثبات و امنیت سرمایه را تضمین نماید. امریکا تلاش داشت از فضای به دست آمده برای گسترش نفوذ خود در ایران بهره‌برداری کند و به سیاست کلی خود که توسعه‌طلبی با هزینه‌های کم بود جامه عمل بپوشاند، اما این امر تا زمانی که رضاخان بر اریکه قدرت تکیه زده بود میسر نشد و اقدامات او نشان داد که تحلیل امریکایی‌ها تا چه میزان کودکانه و ساده‌انگارانه است. به این شکل بود که حکومتی بی‌ریشه را بر مردم ایران تحمیل کردند و مقدرات امور مردم را به دست مردی سپردند که با تحقیر و سرکوب مردم، برنامه‌های خود را عملی ساخت و روز کارزار از میدان گریخت و کشور را به بیگانه سپرد، مردی که در برابر مردم خود گردن فرازی می‌کرد با کوچکترین ضربه در برابر بیگانه سپر انداخت، این بود سرنوشت موسولینی، بناپارت، پتر کبیر، میچی و بیسمارک تحمیل شده به ملت ایران. این حادثه نشان داد که پوتین نادرشاه تا چه اندازه برای پای رضاخان گشاد است!»

منبع: حسین آبادیان، ایران از سقوط مشروطه تا کودتای سوم اسفند، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۵، ص

